کتاب روزه

خدای متعال فرموده است:

﴿ یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوْا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکُمْ، لَعَلَّکُمْ تَتَّقُوْنَ ـ ای مؤمنان! فرض گردانیده شده است برشما روزه، چنانکه فرض گردانیده شده است برآنانی که پیش از شما بوده اند، تا شما تقوی پیشه کنید ﴾. (سورهٔ بقره ـ ۱۸۳)

و نیز خدای متعال فرموده است:

﴿ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِیْ أُنْزِلَ فِیْهِ الْقُرْآنُ، هُدًی لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰی وَالْفُرْقَانِ، فَمَنْ شَهِدَ مِنْکُمُ الشَّهْرَ فَلْیَصُمْهُ ـ ماه رمضان ماهی است که نازل شده است در آن قرآن، هدایتی است برای مردم، و آیه های روشن ازهدایت و معیار تشخیص حق از باطل، پس کسی از شما که آن ماه را در حضر دریابد باید که آن را روزه بدارد ﴾. (سورهٔ بقره ـ ۱۸۵)

و رسول خدا ﷺ فرموده است:

«بُنِیَ الْاِسْلَامُ عَلٰی خَمْسٍ، شَهَادَةِ اَنْ لَااِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً

رَسُوْلُ اللهِ، وَإِقَامَ الصَّلٰوةِ، وَإِيْتَاءَالزَّكَاةِ، وَ حَجَّ الْبَيْتِ، وَ صَوْمَ رَمَضَانَ

ـ بنا شده است اسلام بر پنج چیز؛ گواهی دادن به اینکه خدایی جز الله یگانه نیست، و اینکه محمدﷺ رسول خداست، و برپاداشتن نماز، و دادن زکات، و حج بیت، و روزهٔ رمضان».

(به روایت بخاری و مسلم)

امّت اسلام اجماع دارند بر اینکه روزهٔ رمضان فرض عین است بر هرمکلّفی، و در فرضیت آن احدی از مسلمانان مخالفت نکرده است.

صوْم در لغت: خود نگهداشتن است.

و در اصطلاح شرع: خودداری از تمام شکننده‌های روزه[1] است؛ از طلوع بامداد تا غروب خورشید به همراه نیّت کردن روزه.

روزهٔ رمضان برچه کسی فرض است؟

روزهٔ رمضان ـ در اداء و قضاء ـ بر کسی فرض است که در وی شرطهای آتی یکجا گردیده باشد:

۱ـ اینکه بالغ باشد، پس روزه بر کودک فرض نیست.

۲ـ اینکه مسلمان باشد، پس روزه بر کافر فرض نیست.

۳ـ اینکه عاقل باشد، پس روزه بر دیوانه فرض نیست.

۱ـ شکننده‌های روزه همانا؛ خوردن، آشامیدن، وجماع کردن، یاآن چیزهایی است که در حکم این امور است.

۴ـ اینکه در دار اسلام باشد، یا اگر چنانکه در دار حرب است بر وجوب روزه دانا باشد.

اداء روزه بر چه کسی فرض می‌گردد؟

۱ـ اداء روزه بر کسی فرض می‌گردد که مقیم باشد، پس اداء آن بر مسافر فرض نیست.

۲ـ اداء آن بر کسی فرض می‌گردد که سالم و تندرست باشد، پس اداء آن برمریض فرض نیست.

۳ـ اداء آن بر زن در صورتی فرض می‌گردد که از حیض و نفاس پاک باشد.

پس اداء آن بر زن حائض و بر زن در حال نفاس فرض نیست.

بلکه حتی اداء آن از سوی زن حائض و زن در حال نفاس جواز هم ندارد.

چه وقت اداء روزه صحیح است؟

اداء روزه صحیح است آنگاه که شرطهای آتی فراهم باشند:

۱ـ اینکه شخص نیّت روزه را در وقتی بنماید که در آن نیّت صحیح می‌گردد[۱].

۱ـ وقت نیّت ادای روزهٔ رمضان وروزهٔ نفل: بعد از غروب است تا پیش از نیمروز.

ووقت نیّت قضاء رمضان: تمام شب است، ونیّت آن بعد از طلوع بامداد صحت ندارد.

ووقت نیّت روزه کفّاره ها (کفّارات) ونذر مطلق: همهٔ شب است ونیّت آن بعد از طلوع بامداد صحت ندارد.

۲ـ اینکه زن از حیض ونفاس پاک باشد.

۳ـ اینکه روزه دار از اشیائی که فاسد کنندهٔ روزه هستند خالی باشد، همچون خوردن، آشامیدن، جماع، و آنچه که در حکم این چیزهاست.

۴ـ و برای صحت اداء روزه این شرط نیست که روزه دار از جنابت خالی باشد.

انواع روزه

روزه به شش نوع تقسیم می‌شود:

۱ـ فرض. ۲ـ واجب.

۳ـ سنت. ۴ـ مستحب.

۵ـ مکروه. ۶ـ حرام.

۱ـ روزه فرض: و آن روزه رمضان است.

۲ـ روزهٔ واجب عبارت است از:

(الف) ـ قضاء آوردن آنچه را که فاسد گردانیده است از روزهٔ نافله.

(ب) ـ روزهٔ نذر[۱].

۱ـ روزهٔ نذر: همانا روزه‌ای است که مسلمان آنرا بر خود به نیّت قربت به خداوند ﷻ فرض می‌گرداند وبر همان وجهی واجب می‌گردد که شخص آنرا برای خود نذر کرده است، پس کسی که روزه گرفتن روزی معین یا روزهای معین را بر خود نذر نمود، روزه گرفتن همان روز معین وروزهای معینه بر وی واجب است، واگر نذر را مطلق گردانید آن نذر بروی بنابر اطلاق خود واجب است، واین روزه در نزد بعضی از فقهاء فرض است، اما در نزد محققین از

(ج) ـ روزهٔ کفّاره‌ها[۱].

روزهٔ کفّاره‌ها در صورتهای آتی لازم می‌گردد:

(الف) شکستن عمدی روزهٔ رمضان بدون عذر.

(ب) جماع کردن در روز رمضان به قصد.

(ج) روزهٔ کفّارهٔ ظهار[۲].

(د) شکستن سوگند.

(ه) ارتکاب بعضی از ممنوعات در زمان احرام برای حاجی یا مُعتَمِر.

(و) کشتن به خطاء، و آنچه که در حکم آن است.

۳ـ روزهٔ سنت عبارت است از: روزهٔ روز عاشوراء به همراه روز نهم، یا یازدهم از محرّم.

۴ـ روزهٔ مستحب عبارت است از:

(الف) روزه گرفتن سه روز از هرماه، از هرقسمت ماه که باشد.

(ب) روزه گرفتن روزهای بِیض (۱۳، ۱۴، ۱۵) از هرماه.

(ج) روزه گرفتن روز دوشنبه، و روز پنجشنبه در هرهفته.

(د) روزه گرفتن شش روز از ماه شوال.

احناف واجب می‌باشد، زیرا که منکر آن کافر نمی شود.

۱ـ روزهٔ کفاره ها (کفّارات) فرض است در نزد بعضی از فقهاء، وواجب است در نزد محققین از احناف، زیرا که منکر آن کافر نمی شود.

۲ـ ظهار آن است که شخص به زنش بگوید، تو بر من مانند پشت مادر من هستی.

(ه) روزه گرفتن روز عرفه برای غیر حاجی.

(و) روزهٔ حضرت داؤد (علیه السلام)، و آن این است که شخص یک روز را روزه بدارد و روز دیگر را بخورد، و آن بهترین (افضل) روزه‌ها و دوست داشته‌ترین آنها به نزد خدای متعال است.

۵ـ روزهٔ مکروه عبارت است از:

(الف) روزه گرفتن روز عاشوراء ـ اگر آنرا تنها گرفت و روز نهم یا یازدهم محرم را به آن پیوست نساخت.

(ب) روزه گرفتن روز شنبه، اگر آنرا تنها گرفت.

(ج) روزهٔ وصال و آن این است که روزه‌دار بعد از غروب اصلاً افطار نکند و روزهٔ فردای آن را به آن متّصل و پیوست گرداند.

۶ـ و اما روزهٔ حرام عبارت است از:

(الف) روزه گرفتن روز عید فطر.

(ب) روزه گرفتن روز عید قربان.

(ج) روزه گرفتن روزهای تشریق. و آن عبارت است از (۱۱، ۱۲، ۱۳) از ماه ذیحجه.



وقت نیّت کردن روزه

روزه صحیح نمی شود مگر با نیّت.

محل نیّت: قلب است.

روزه بانیّت کردن از هنگام شب تا پیش از نیمه‌روز صحیح می‌شود:

۱ـ در اداء رمضان.

۲ـ در نذر معین.

۳ـ در روزهٔ نفل.

اداء روزه رمضان با مطلق نیّت[1] صحیح می‌شود، و همچنین به نیّت نفل نیز صحیح می‌شود.

و روزهٔ نذر معین به مطلق نیّت، و به نیّت نفل صحیح می‌شود.

و روزهٔ نفل به مطلق نیّت، و به نیّت نفل صحیح می‌شود.

و در روزه‌های آتی تعیین کردن نیّت، و نیّت کردن در شب شرط است، و نیّت کردن بعد از طلوع بامداد صحیح نیست:

۱ـ در قضاء آوردن روزهٔ رمضان.

۲ـ در قضاء آوردن آنچه را که فاسد گردانیده است از روزهٔ نفل.

۳ـ در روزه‌های کفّاره‌ها.

۴ـ در روزهٔ نذر مطلق.

۱ـ مطلق نیّت چنین است که نیّت روزه نماید بدون تعیین رکن نوافل، واجب و نفل، و بدون تعیین رکن رمضان.

چگونه رؤیت ماه به اثبات می‌رسد؟

رسول خدا ﷺ فرموده است:

« صُوْمُوْا لِرُؤْيَتِهِ، وَأَفْطِرُوْا لِرُؤْيَتِهِ، فَإِنْ غُمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوْا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِيْنَ يَوْماً ـ روزه بگیرید با دیدن ماه، و روزه بخورید با دیدن ماه، پس اگر پوشیده شد بر شما ماه، شمار شعبان را سی روز تمام تکمیل کنید ». (به روایت بخاری)

ماه رمضان بایکی از دو امر آتی ثابت می‌شود:

۱ـ بادیدن هلال رمضان.

۲ـ با تمام شدن شمار ماه شعبان به تعداد سی روز تمام، اگر چنانچه هلال ماه دیده نشد.

رؤیت هلال رمضان با خبر دادن یک مرد یا یک زن به اثبات می‌رسد[۱].

اما رؤیت هلال عید با شهادت دو مرد[۲] یا یک مرد و دوزن ثابت می‌شود، اگر چنانچه در آسمان علتی از ابر، یا غبار، یادود موجود بود.

اما اگر علتی از ابر و غیر آن در آسمان موجود نبود، پس رؤیت هلال رمضان و رؤیت هلال عید ثابت نمی شود مگر بادیدن جمع بزرگی که به دیدن آنان گمان غالب حاصل شود.

رؤیت هلال بقیهٔ ماه‌ها با شهادت دو مرد عاقل، یا یک مرد و دو زنی که حدّ

۱ـ یعنی شرط نیست که بگوید: «گواهی می‌دهم بر ثبوت رؤیت هلال رمضان».

۲ـ یعنی شرط است که بگوید: «گواهی می‌دهم بر ثبوت رؤیت هلال عید».

قَذَف[1] بر آنها جاری نگردیده باشد، به اثبات می‌رسد.

اگر رؤیت هلال در منطقه‌ای ثابت گردید، روزه گرفتن برسائر مناطق و سرزمینهای همجوار آن لازم است، چراکه طلوعگاه آنها یکی است، به شرط اینکه رؤیت هلال از راهی که واجب آورندهٔ روزه است، به ایشان رسیده باشد.

اگر کسی به تنهایی هلال رمضان را دید، اما سخن آن در ایت ارتباط مورد قبول قرار نگرفت؛ پس روزه گرفتن بر خود وی لازم است.

و اگر کسی به تنهائی هلال عید را دید، و سخن وی مورد قبول قرار نگرفت، بازهم روزه گرفتن بروی لازم است و خوردن آن برای او جواز ندارد.

حکم روزه گرفتن در روز شک

روز شک همانا روز بعد از بیست و نهم شعبان است، در صورتی که دانسته نشد آیا هلال عید در آن طلوع کرده است یا خیر؟

روزه گرفتن در روز شک با نیّت فرض، یا بانیّتی که در حال تردد میان فرض و نفل است مکروه است.

اما روزه گرفتن در روز شک با نیّت نفل مکروه نیست؛ اگر چنانچه قاطعانه نیّت نفل را نمود.

کسی که در میان گرفتن‌روزه و خوردن آن متردد بود، روزهٔ وی صحیح

۱ـ حد قَذَف: حدی است که بر تهمت زننده زنا جاری می‌شود.

۷ـ اگر غیبت کسی را کرد.

۸ـ اگر نیّت خوردن روزه را کرد اما نخورد.

۹ـ اگر به حلق وی غباری بدون فعل خود وی داخل شد، اگر چه غبار آسیاب باشد.

۱۰ـ اگر به حلق وی بدون فعل وی دودی داخل شد.

۱۱ـ اگر به حلق وی مگسی داخل شد.

۱۲ـ اگر جُنُب گردید.

همچنین روزه فاسد نمی شود اگر در طول روز جُنُب باقی بماند، و لیکن این امر مکروه تحریمی است، به جهت ترک فریضهٔ نماز.

۱۳ـ اگر به جویی فرورفت، و آب درگوش وی در آمد.

۱۴ـ اگر به بینی وی مخاطی داخل شد، پس آنرا عمداً استنشاق کرد یا بلعید.

۱۵ـ اگر قیء به دهان او بالا آمد و سپس بدون فعل آن دوباره به حلقش برگشت، چه آن قیء اندک باشد چه بسیار.

۱۶ـ اگر به قصد قیء کرد و آن قیء کمتر از پری دهان آن بود، و بدون فعل وی دوباره به شکم وی برگشت.

۱۷ـ اگر چیزی را که در میان دندانهای وی باقی مانده بود خورد، و آن چیز خورده شده کمتر از دانهٔ نخودی بود.

۱۸ـ اگر چیزی را از خارج دهان به دهان خویش داخل کرد و آنرا جوید

مانند کنجدی، تا آنرا متلاشی گرداند، و برای آن در حلق خویش مزه‌ای نیافت.

۱۹ـ روزه با آمپل فاسد نمی شود، چه در جلد تزریق شود چه در شریان[۱].

۲۰ـ اگر گوش خویش را با چوبی خلال کرد، پس بر سر آن چوب پلیدی ای از گوشش بیرون آمد، سپس آن چوب را چندین بار در گوش خویش فروبرد.

چه وقت به همراه قضاء آوردن کفّاره نیز واجب می‌شود؟

روزه در صورتهای آتی فاسد می‌گردد و در آن به همراه قضاء آوردن کفّاره نیز واجب است:

۱ـ اگر روزه دار غذائی را خورد که طبع بدان مایل است و شهوت شکم با آن بر آورده می‌شود.

۲ـ اگر روزه دار دوائی را بدون عذری شرعی خورد.

۳ـ اگر روزه دار آب، یا آشامیدنی دیگری را نوشید.

۴ـ اگر روزه دار جماع کرد.

۵ـ اگر روزه دار بارانی را که به دهان آن داخل شده بود بلعید.

۶ـ اگر روزه دار گندم را خورد و آنرا با دندانهایش خرد کرد.

۷ـ اگر دانهٔ گندم را بدون خرد ساختن آن بلعید.

۱ـ اما به قولی روزه به چیزی که از خارج به داخل وجود به جهت اصلاح بدن تزریق شود، می‌شکند، لذا آمپل عضلانی و وریدی هردو روزه را می‌شکند.

۸ـ اگر دانهٔ کنجدی یا مانند آنرا از خارج دهان خویش بلعید.

۹ـ اگر اندک نمکی خورد.

۱۰ـ اگر سیگاری یا نارگیلی را دود کرد.

۱۱ـ اگر گِل خورد و او به خوردن گِل معتاد بود.

اما اگر چنانچه به خوردن گِل معتاد نبود، پس کفّاره بروی لازم نمی‌گردد.

شرطهای وجوب کفّاره

کفّاره لازم نمی‌گردد مگر آنگاه که شرطهای آتی فراهم بوده باشد:

۱ـ اگر در حال اداء روزهٔ رمضان خورد یا آشامید.

پس اگر در غیر رمضان خورد یا آشامید، کفاره لازم نمی‌گردد.

همچنین کفاره لازم نمی گردد اگر چنانچه در قضاء آوردن روزهٔ رمضان خورد یا آشامید.

۲ـ اگر به قصد خورد یا آشامید. پس کفاره لازم نمی‌گردد اگر به فراموشی خورد یا آشامید.

۳ـ در صورتی که در خوردن و آشامیدن خویش خطاکار نباشد، پس اگر به خطاء خورد و آشامید، به گمان اینکه هنوز شب باقی مانده است، یا مغرب داخل شده است، سپس برای وی آشکار گردید که او در روز خورده است، کفّاره لازم نمی‌گردد.

۴ـ اگر به خوردن یا آشامیدن ناچار نبود.

پس اگر به خوردن و آشامیدن ناچار گردید، کفّاره لازم نمی‌گردد.

۵ـ اگر زیر فشار و اجبار وادار به خوردن و آشامیدن نگردید، پس اگر چنانچه به زور بر خوردن یا آشامیدن وادار ساخته شد، کفّاره لازم نمی‌گردد.

بیان کفّاره

کفّاره‌ای که همین اکنون از آن سخن گفتیم عبارت است از:

۱ـ آزاد ساختن برده‌ای، چه آن برده مؤمن باشد و چه غیر مؤمن.

۲ـ روزه گرفتن دو ماه پیاپی که در میان آنها روز عیدی و روزهای تشریق نباشد.

۳ـ اطعام نمودن شصت مسکین از اوسط آنچه که عادتاً خودش می‌خورد.

کفّاره به ترتیب فوق واجب می‌گردد، پس کسی که برده‌ای را برای آزاد کردن نیافت، دوماه پیاپی روزه بگیرد، و اگر توانائی روزه گرفتن دوماه پیاپی را هم نداشت، شصت مسکین را اطعام کند، برای هرمسکینی دو نوبت (وعده) کامل از غذا[1].

و واجب است که در میان مساکین کسانی نباشند که نفقهٔ آنان بر کفّاره دهنده لازم است، همچون پدر و مادر و فرزندان و همسر.

اگر می‌خواست تا به مساکین غلّه بدهد، پس بر اوست که برای هرفقیری

۱ـ وجبه: به فتح واو وسکون جیم عبارت است از غذائی که با آن انسان در نهار یا شام خویش، سیر می‌شود.

نیم صاع[1] از گندم یا آرد آن، یاقیمت نیم صاع از گندم یا یک صاع از جو، یا خرما، یاقیمت یک صاع از جو یا خرما را بپردازد.

چه وقت قضاء بدون کفّاره واجب می‌گردد؟

روزه در صورتهای آتی فاسد می‌گردد، و قضاء آوردن در آنها واجب است، و لیکن در آنها کفّاره واجب نیست:

۱ـ اگر روزه‌دار به جهت عذری از عذرهای شرعی همچون سفر، بیماری، بارداری، شیردهی، حیض، نفاس، بیهوشی، و دیوانگی روزه را خورد.

۲ـ اگر روزه دار چیزی را خورد که عادتاً خورده نمی شود و شهوت شکم به آن برآورده نمی شود، همچون دارو ـ اگر آنرا به جهت عذری شرعی خورد ـ و همچون آرد، و خمیر، و نمک بسیار به یک دفعه، و پنبه، و کاغذ، و هستهٔ خرما، و گِل؛ اگر چنانچه عادت وی گِل خوردن نبود.

۳ـ اگر روزه دار چیزی از اشیاء آتی را بلعید: سنگ ریزه، آهن، سنگ، طلا، نقره، سرب و غیره.

۴ـ اگر روزه دار به زور بر خوردن یا آشامیدن وادار ساخته شد، و خورد یا آشامید.

۵ـ اگر روزه دار به خوردن یا آشامیدن ناچار گردید، پس خورد یا

۱ـ صاع معادل سه کیلو و شصت گرام است.

آشامید.

۶ـ اگر روزه دار به خطاء خورد به گمان اینکه شب باقی مانده است، یا خورشید غروب کرده است، سپس برایش آشکار گردید که صبح طلوع کرده بوده، یا خورشید هنوز غروب نکرده است.

۷ـ اگر در مضمضه یا استنشاق[1] چنان زیاده‌روی و مبالغه کرد که آب به سوی شکم وی سبقت گرفت.

۸ـ اگر به قصد قیء کرد، و قیء به پری دهان آن بود.

۹ـ اگر به حلق وی بارانی داخل شد یا برفی و او با فعل خود آنرا نبلعید.

۱۰ـ اگر روزه‌اش را در غیر اداء رمضان فاسد گردانید.

۱۱ـ اگر بافعلش دودی را در حلق خویش داخل کرد.

۱۲ـ اگر در بین دندانهایش چیزی از طعام به اندازهٔ یک نخود باقی ماند، پس آنرا بلعید.

۱۳ـ اگر چیزی را به قصد خورد، بعد از آنکه به فراموشی خورده بود.

۱۴ـ اگر بعد از آنکه در روز نیّت روزه کرد در حالی که به شب آن را نیّت نکرده بود، خورد.

۱۵ـ اگر مسافر گردید پس نیّت اقامت کرد و بعد از آن خورد.

۱۶ـ اگر سفر کرد بعد از آنکه مقیم گردیده بود، پس خورد.

۱ـ تعریف آنها در کتاب طهارت گذشت.

۱۷ـ اگر از خوردن و آشامیدن در طول روز ـ بدون نیّت روزه و بدون نیّت خوردن ـ خودداری کرد.

۱۸ـ اگر روغن و آبی را در گوش خویش چکانید.

۱۹ـ اگر داروئی را در بینی خویش داخل کرد.

۲۰ـ اگر جراحتی را در شکم خویش تداوی کرد، یاجراحتی را در دماغ خویش تداوی کرد، پس در اثر آن دارو به شکم وی رسید.

و کسی که روزه‌اش به سببی از این اسباب در رمضان فاسد می‌گردد بروی واجب است که خود را از خوردن و آشامیدن در بقیهٔ آنروز با هدف تعظیم حرمت ماه رمضان نگه دارد.

چه چیز برای روزه‌دار مکروه است؟

امور آتی برای روزه‌دار مکروه است، پس بر وی لازم است تا از آنها اجتناب کند، برای اینکه بر روزهٔ او هیچ نقصی وارد نشود:

۱ـ جویدن چیزی، یا چشیدن آن بدون نیاز.

۲ـ جمع کردن آب دهان در دهان و سپس بلعیدن آن.

۳ـ هرآن چیزی که سبب ضعف و ناتوانی وی است، همچون رگ زدن و حجامت.



چه چیز برای روزه دار مکروه نیست؟

امور آتی در حال روزه داری مکروه نیست:

۱ـ روغن مالیدن بر سبیل و ریش.

۲ـ سرمه کشیدن به چشم.

۳ـ غسل‌کردن برای خنک ساختن بدن.

۴ـ پیچیدن تن خود با جامهٔ مرطوبی برای خنک ساختن بدن.

۵ـ مضمضه و استنشاق برای غیر وضوء.

۶ـ مسواک زدن در آخر روز، بلکه حتی مسواک زدن در آخر روز، همچون مسواک زدن در اول آن سنت است.

چه چیز برای روزه دار مستحب است؟

امور آتی برای روزه دار مستحب است:

۱ـ اینکه سحر برخیزد و خوردنی‌ای تناول کند.

۲ـ اینکه سحری را به تأخیر اندازد، و لیکن برای وی لازم است تا چند دقیقه قبل از طلوع صبح از خوردن و آشامیدن دست بکشد، تا در شک نیفتد.

۳ـ اینکه بعد از ثابت شدن غروب خورشید بروی در افطار تعجیل نماید.

۴ـ اینکه قبل از طلوع صبح از حَدَثْ اکبر غسل کند، تا آنکه عبادت را برحال طهارت اداء نماید.

۵ـ اینکه زبان خویش را از دروغ، و غیبت، و سخنچینی و دشنام دادن

و بدزبانی نگه دارد.

۶ـ اینکه فرصت رمضان را مغتنم شمرده، به تلاوت قرآن کریم یا به ذکری از ذکرهای مأثوره مشغول گردد.

۷ـ اینکه خشمگین نشود، و برای یک چیز بی ارزش برآشفته نشود.

۸ـ اینکه نفس خویش را از شهوتها نگه دارد اگرکه این شهوت‌ها حلال باشند.

عذرهای مباح سازندهٔ روزه خوردن

اسلام دین فطرت است، پس انسان را بیشتر از طاقت و توان آن مکلف نمی‌گرداند، و خداوند ﷻ به بندگان خویش مهربان است، زیرا برای ایشان خوردن روزه و قضاء آوردن آن در روزهای دیگری را اجازه داده است ـ اگر چنانچه به سبب روزه گرفتن به ایشان زیان یا مشقتی وارد می‌گردید.

پس در صورتهای آتی ترک روزه جائز است:

۱ـ برای مریض، اگر روزه گرفتن به او زیان می‌رسانید، یا برخود از افزونی مرض، یا از طولانی شدن مدت مرض بیم داشت.

۲ـ برای مسافری که سفری طولانی‌ای در پیش می‌گیرد که درآن سفر، نماز کوتاه می‌گردد.

می‌دهد و برگمان وی چنین غالب می‌گردد که اگر روزه را نخورد هلاک

می‌شود.

۴ـ برای زن باردار، اگر چنانچه روزه گرفتن به خود وی یا به جنینش زیان می‌رسانید.

۵ـ برای زن شیرده، اگر چنانچه روزه گرفتن به خودش، یا به طفل شیرخوارش زیان می‌رسانید.

۶ـ برای زن حائض و زن در حال نفاس، بلکه برای این دو روزه خوردن واجب است، و روزه گرفتن آنها صحیح نمی شود.

۷ـ برای شیخ فانی‌ای که تاب و توان روزه گرفتن را ندارد.

و بر شیخ فانی به جهت کبر سن وی قضاء آوردنی نیست، بلکه بروی دادن فدیه[1] واجب است.

۸ـ خوردن روزه برای کسی که روزهٔ نافله گرفته است بدون عذر جائز است، و بروی واجب است که آن را در روز دیگری قضاء آورد.

۹ـ خوردن روزه برای کسی که در حال جنگیدن با دشمن است جواز دارد.

برای کسی که بروی روزهٔ قضائی است مستحب است تا اینکه به قضاء آوردن روزه‌های قضائی خویش شتاب کند، و لیکن اگرقضاء آوردن آنهارا به تأخیر افکند، این امر جواز دارد.

و برای او جواز دارد که ایام قضائی را پی‌درپی، یا به طور پراکنده روزه بگیرد.

۱ـ فدیه: همانا اطعام نمودن مسکین است از جای هر روزی از روزهای قضائی، دونوبت کامل از اوسط آنچه که خود می‌خورد، یا بیرون آوردن نصف صاع از گندم یا یک صاع از جو ازمال خویش برای صدقه.

اگر قضاء آوردن را تا آنگاه به تأخیر افکند که رمضان دوم آمد، اداء را بر قضاء مقدم گرداند، و به سبب تأخیر در قضاء آوردن بروی فدیه‌ای نیست.

وفاء به نذر چه وقت واجب می‌گردد؟

رسول خدا ﷺ فرموده است: «مَنْ نَذَرَ اَنْ يُطِيْعَ اللهَ فَلْيُطِعْهُ، وَمَنْ نَذَرَ اَنْ يَعْصِيَهُ فَلا يَعْصِيْهِ ـ هرکه نذر کرد که اطاعت خداوند را بنماید، پس باید که او را اطاعت کند، و هرکه نذر کرد که نافرمانی خداوند را بنماید، پس باید که او را نافرمانی نکند».

(به روایت بخاری)

اگر در نذر سه شرط آتی یکجا گردید؛ وفاء به آن واجب است:

۱ـ اینکه از جنس چیز نذر کرده شده واجبی وجود داشته باشد، همچون روزه و نماز.

۲ـ اینکه چیز نذر کرده شده به ذات خود مقصود باشد.

۳ـ اینکه چیز نذر کرده شده قبل از نذر واجب نباشد.

پس نذر آزاد ساختن برده، و نذر اعتکاف، و نماز غیر فرض صحیح است.

و نذر کردن وضوء صحیح نیست، زیرا که وضوء گرفتن به ذات خود مقصود نیست، و همچنین نذر کردن سجدهٔ تلاوت صحیح نیست، زیرا که سجدهٔ تلاوت قبل از نذر هم واجب است.

و نذر کردن عیادت بیمار صحیح نیست، زیرا که از جنس این نذر واجبی

وجود ندارد.

اگر به روزه گرفتن روزهای دو عید، یا به روزه گرفتن روزهای تشریق نذر کرد؛ نذر وی صحیح است.

اما بروی واجب است که در این روزها بخورد، به جهت نهی شریعت از روزه گرفتن در آنها، و بعد از آنها نذر خویش را قضاء آورد.

اعتکاف

اعتکاف همانا درنگ کردن در مسجدی است که در آن جماعت برپا می‌شود، همراه بانیّت اعتکاف.

انواع اعتکاف

اعتکاف بر سه نوع تقسیم می‌شود:

۱ـ اعتکاف واجب و آن اعتکافی است که نذر شده است، پس کسی که نذر کرد به اینکه در اعتکاف بنشیند، اعتکاف بروی واجب است.

۲ـ اعتکاف سنت مؤکدهٔ کفایی و آن اعتکاف دههٔ اخیر ماه مبارک رمضان است.

۳ـ اعتکاف مستحب و آن اعتکاف غیر از نذر و دههٔ اخیر رمضان است.



مدت اعتکاف

اعتکاف بر حسب اختلاف اقسام اعتکاف مختلف می‌شود.

پس مدت واجب در اعتکاف همانا زمانی است که آن‌را در نذر تعیین کرده است.

و مدت سنت در اعتکاف؛ همانا اعتکاف دهۀ اخیر رمضان است.

و مدت نفل در اعتکاف؛ اقلّ آن یک لحظۀ زمانی است؛ و برای اکثر آن حدی وجود ندارد.

اعتکاف صحیح نیست مگر در مسجدی که در آن جماعت برپا می‌شود، و آن مسجدی است که دارای امام و مؤذن بوده باشد.

و زن در مسجد خانۀ خویش به اعتکاف بنشیند، و آن مکانی است که در خانۀ خویش برای نماز خواندن تعیین کرده است.

و در اعتکاف نذر روزه گرفتن شرط است، پس این اعتکاف بدون روزه گرفتن صحیح نیست، اما برای صحت اعتکاف سنت و مستحب، روزه گرفتن شرط نیست.

فاسد کننده‌های اعتکاف

اعتکاف با امور آتی فاسد می‌شود:

۱ـ با خارج شدن از مسجد بدون عذر.

۲ـ با عارض شدن حیض یا نفاس.

۳ـ با جماع یا انگیزه‌بخشهای آن؛ چون بوسه یا لمس کردن به شهوت.

عذرهایی که مباح سازندهٔ بیرون شدن از مسجد است

عذرهایی که خارج شدن از مسجد را مباح می‌سازند سه نوع اند:

۱ـ عذرهای طبیعی همچون خارج شدن به قصد دفع پیشاب، و مدفوع، و غسل کردن از جنابت.

پس معتکف برای غسل جنابت، و برای قضای حاجت پیشاب ومدفوع، از مسجد بیرون شود، به شرط اینکه در خارج از مسجد بجز در حد قضای حاجت خویش درنگ نکند.

۲ـ عذرهای شرعی همچون نماز جمعه، اگر چنانچه در مسجدی که در آن اعتکاف نشسته بود، جمعه برپا نمی‌گردید.

۳ـ عذرهای ضروری همچون ترسیدن برجان یا برکالای خود، اگر در مسجد محل اعتکاف باقی بماند.

همچنین اگر مسجد ویران شد، پس او از آن مسجد بیرون رود، به شرط اینکه فوراً به نیّت اعتکاف به مسجد دیگری برود.

معتکف بخورد، و بیاشامد، و عقد داد و ستد را برای چیزی که نیاز به آن دارد در مسجد انجام دهد، اما بدون احضار مبیعه در مسجد.

چه چیز بری معتکف مکروه است؟

۱ـ برای معتکف مکروه است که در مسجد به جهت تجارت معاملهٔ داد و ستد انجام دهد، خواه مبیعه را در مسجد حاضر می‌نمود یا حاضر نمی‌نمود.

۲ـ حاضر کردن مبیعه در مسجد برای معتکف در بیعی که آنرا برای نیاز خویش یا نیاز خانوادهٔ خویش انجام می‌دهد، مکروه است.

۳ـ برای معتکف سکوت کردن مکروه است، اگر به این عقیده بود که سکوت قربتی است به سوی خداوند ﷻ اما اگر به اعتقاد قربت نبود پس در سکوت وی کراهیّتی نیست.

آداب اعتکاف

امور آتی در اعتکاف مستحب است:

۱ـ اینکه جز به خیر سخن نگوید.

۲ـ اینکه برای اعتکاف خویش بهترین مساجد را برگزیند، و آن مسجدالحرام است برای کسی که به مکه اقامت دارد، سپس مسجد نبوی است برای کسی که به مدینهٔ منوره اقامت دارد، سپس مسجدالاقصی است برای کسی که به قدس شریف اقامت دارد، سپس مسجد جامع است.

۳ـ اینکه به تلاوت قرآن کریم و اذکار مأثوره، و درود خواندن بر نبی اکرم ﷺ، و مطالعهٔ کتب دینی مشغول باشد.

صدقهٔ فطر

صدقهٔ فطر: چیزی است که مسلمان آنرا در روز عید از مال خویش بـرای نیازمندان بیرون می‌آورد، به جهت پاکسازی نفس خویش، و جبران آنچه که ممکن است ازوی در روزهٔ آن ـ از خللی چون سخن بیهوده و بدزبانی ـ رونما گردیده باشد.

عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما فرمود: «رسول خدا ﷺ زکات فطر را به عنوان پاک سازندهٔ روزه‌دار از بیهودگی، و بدزبانی، و به عنوان طعمه‌ای برای مساکین مقرر نمودند». (به روایت ابو داؤد)

صدقهٔ فطر واجب است.

برچه کسی صدقهٔ فطر واجب است؟

صدقهٔ فطر بر کسی که در آن سه شرط آتی موجود گردد واجب است:

۱ـ اینکه مسلمان باشد، پس صدقهٔ فطر بر کافر واجب نیست.

۲ـ اینکه آزاد باشد، پس صدقهٔ فطر بر برده واجب نیست.

۳ـ اینکه مالک نصابی باشد افزون بر قرض خویش، و افزون بر حوائج و نیازمندیهای خویش، و افزون بر حوائج و نیازمندیهای خانوادهٔ خویش.

پس صدقهٔ فطر برکسی که مالک نصابی افزون بر قرض، و افزون بر حوائج اصلی خویش نیست، واجب نمی باشد.

و امور آتی در حوائج اصلی داخل اند:

(الف) مسکن آن.
(ب) اثاثیهٔ خانهٔ آن.
(ج) لباسهای آن.
(د) وسائل سواری آن.
(ه) آلات و ابزاری که از آنها در بدست آوردن معیشت خویش یاری می‌جوید.

برای وجوب صدقهٔ فطر این شرط نیست که یک سال کامل برنصاب مال بگردد.

بلکه برای وجوب صدقهٔ فطر این شرط است که شخص در وقت طلوع صبح روز عید مالک نصاب باشد.

همچنین برای وجوب صدقهٔ فطر این شرط نیست که شخص؛ بالغ، یا عاقل باشد، بلکه صدقهٔ فطر از مال کودک و دیوانه نیز بیرون آورده می‌شود، اگر چنانچه این دو مالک نصاب بودند.

چه وقت صدقهٔ فطر واجب می‌گردد؟

صدقهٔ فطر درهنگام طلوع صبح روز عید واجب می‌گردد.

پس اگرکسی قبل از این وقت مرد، یا فقیر گردید، صدقهٔ فطر بروی واجب نیست.

همچنین اگر کسی بعد از طلوع فجر متولد گردید، یا مسلمان شد، پس صدقهٔ

فطر بروی واجب نیست.

اداء صدقهٔ فطر جلوتر و دنبال تر از وقت آن جواز دارد.

و لیکن مستحب آن است که آن را قبل از خارج شدن به سوی مصلی از مال خویش بیرون آورد.

اگر کسی صدقهٔ فطر را در رمضان اداء کرد جائز است، بلکه این امر مستحسن و نیکو نیز هست، تا فقیر از قبل، بر آماده ساختن لباس، و نیازمندیهای لازم دیگر برای خودش و خانواده‌اش در روز عید قادر گردد.

و به تأخیر انداختن صدقهٔ فطر از وقت نماز عید مکروه است، مگر در صورتی که این تأخیر به جهت عذری باشد.

از جای چه کسانی باید صدقهٔ فطر را بپردازد؟

واجب است که شخص صدقهٔ فطر را از جای اشخاص آتی بیرون آورد:

۱ـ از جای خودش.

۲ـ از جای فرزندان صغیر فقیر خویش.

اما اگر چنانچه فرزندان وی غنی بودند، پس صدقهٔ فطر را از مال خود ایشان بیرون آورد.

بر مرد واجب نیست که صدقهٔ فطر را از جای زنش بپردازد، و لیکن اگر داوطلبانه از روی تبرّع این کار را کرد، جائز است.

همچنین بر مرد واجب نیست که صدقهٔ فطر را از جای فرزندان کبیر فقیر خویش بپردازد، اگر چنانچه عاقل بودند، و لیکن اگر تبرعاً و به‌طور داوطلبانه این کار را کرد جائز است.

اما اگر چنانچه اولاد کبیر فقیر آن دیوانه بودند، پس بر وی واجب است که صدقهٔ فطر را از جای ایشان بپردازد.

مقدار صدقهٔ فطر

اشیائی که در امر صدقهٔ فطر برآنها نصّ شرعی وارد گردیده است، چهار چیز است:

۱ـ گندم. ۲ـ جو.

۳ـ خرما. ۴ـ کشمش.

پس صدقهٔ فطر از جای یک نفر به مقدار نصف صاع از گندم، یا آرد آن، یاآرد سفید الک شدهٔ آن، یا یک صاع از جو، یا خرما، یاکشمش، بیرون آورده می‌شود[1].

کسی که می‌خواهد صدقهٔ فطر را از غله جات دیگری بپردازد، این کار برای او جائز است، و براوست که مقداری را بیرون آورد که معادل قیمت نصف صاع از گندم، یاقیمت یک صاع ازجو باشد.

۱ـ صاع معدل: سه کیلو و شصت گرام است.

و برای او جائز است که قیمت صدقهٔ فطر را به پول نقد بپردازد، بلکه این کار بهتر است، زیرا نفع آن برای فقراء بیشتر می‌باشد.

دادن صدقهٔ فطر از جای یک نفر به چند نفر مسکین جائز است.

همچنین دادن صدقهٔ فطر از جای چند نفر به یک نفر مسکین جائز است.

مصارف صدقهٔ فطر عین مصارف زکات می‌باشد، که نصّ قرآنیِ:

﴿ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِيْن ...الی آخر﴾ برای بیان آن وارد گردیده است، و به زودی در بحث مصارف زکات بطور مفصل بیان خواهد گردید، ان‌شاءالله تعالی.

